قرآن و نظام خانواده

محمد نسیم جعفری*

چکیده

بدون تردید نهاد خانواده یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی به‌شمار می‌آید، در محیط خانواده است که کودکان و نوجوانان و به طورکلی همه افراد جامعه، قواعد رفتاری و روابط اجتماعی را می‌آموزند و در کانون گرم خانواده است که شخصیت کودکان شکل می‌گیرد، به همین دلیل ثبات و استحکام خانواده در تعادل و توازن جامعه نقش حیاتی دارد.

سرمنشأ بسیاری از کج‌روی‌ها، انحرافات و هنجارشکنی‌های اجتماعی مانند دزدی، اعتیاد، قتل و جنایت، فحشا و ... خانواده های ناسالم است؛ خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان اعضای خانواده است. تحصیل معرفت به این‌گونه روابط، نیازمند آشنایی هر یک از اعضا با وظایف و حقوق خویش است. قرآن کریم به عنوان عالی‌ترین راهنمای حیات بشر، بهترین هدایتگر در این مسیر است. در نوشتار حاضر، با رجوع به رهنمودهای حکیمانه و اعجاز گونه این کتاب عظیم، راه‌های تحکیم روابط زن و شوهر در خانواده بررسی‌شده و ضمن معناشناسی خانواده و بیان اهمیت و ضرورت بحث، موضوعات ذیل تحلیل گردیده است: عوامل مؤثر بر تحکیم روابط خانواده و کارکرد خانواده در قرآن.

واژگان کلیدی: قرآن، خانواده، کارکرد خانواده، تحکیم خانواده، حسن معاشرت.

* دانش‌پژوه دکتری/ جامعة المصطفی العالمیه(ص)/ مجتمع آموزش عالی علوم انسانی

اهمیت موضوع

اهمیت پرداختن به موضوع «کارکرد و تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و جایگاه فرهنگ های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده است. اولین شرط داشتن جامعه ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده های سالم و امن پدید آمده است. علاوه بر این، کارایی و ارزش علم و هنر نیز در صورت برپایی خانواده است و بدون خانواده، نه تنها هویت انسانی بشر نابود می شود، بلکه همه تلاش های فردی و اجتماعی نیز در حقیقت بی ثمر و نافرجام خواهد ماند. ازاین روست، ملت هایی که در آستانه فروپاشی خانواده قرارگرفته اند، درصدد حفظ این نهاد مهم برآمده و با خانواده های جایگزین نظیر خانواده های تک نفرِ، خانواده های هم جنس (زندگی همجنسبازان) و شبیه به این موارد، با این بحران جدی مقابله می کنند؛ غافل از آن که خانواده ازنظر جامعه شناختی باید در هر شرایطی سه کارکرد اصلی خود را حفظ کند. «طبق نظریه های قدیمی که هنوز هم اعتباردارند، خانواده سه وظیفه عمده دارد: یکی مسائل جنسی است که در خانواده باید حل شود؛ دیگر فعالیت خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی و بالاخره پرورش کودکان است که از وظایف مهم خانواده به شمار می آید.» (فرجاد، ۱۳۶۳: ص ۲۰)

از نگاه ادیان به خصوص اسلام، کارکردهای متعالی تری از خانواده انتظار می رود. علاوه بر آن، برپایی و پویایی نهاد خانواده، شاخصه اصلی یک اجتماع زنده و رو به توسعه است. یکی از مهمترین عوامل توسعه، توسعه نیروی انسانی است. گرچه معیار نیروی انسانی در توسعه، عموماً با ارزیابی بازدهی و کارایی آن است، اما در یک تحلیل عمیق، کارایی انسان نیز از خانواده تأمین می شود. چه خانواده ای که در آن متولدشده و به مرحله بازدهی می رسد و چه خانواده ای که تشکیل می دهد و به آن دلبسته و وابسته است؛ بنابراین سهم خانواده در بالا بردن توسعه، سهمی اساسی و قابل توجه است؛ اما متأسفانه هنوز در شمار پارامترهای سنجش توسعه قرار نگرفته است.

پیوند زناشویی، امری غریزی و از نیازهای اولیه و اساسی انسان است و نیازی به آموزش و محرک خاص ندارد؛ اما تداوم این پیوند و داشتن روابطی صحیح که به پایداری خانواده منجر می شود، نیازمند آموزش و عنایتی ویژه از سوی متولیان و دلسوزان جامعه است.

قرآن کریم، به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دست یابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است.

رجوع به این آیات الهی، می‌تواند انسان را جهت دست‌یابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند.

مفهوم خانواده

تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده؛ یکی ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یادکرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست.

«خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می آورند و در واحد خاص زندگی می کنند.» (منصور قنادان، ۱۳۷۵: ص ۱۴۸)

«خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند.» (همان)

«خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولیدمثل است.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ص ۱۳۵)

اولین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعاریف ذکرشده و ده‌ها تعریف ارائه‌شده دیگر استنباط می‌شود، این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است. یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد؛ قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی کارایی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود. بنابراین، تحکیم روابط در خانواده ازجمله مهمترین مسائل در سلامت و رشد فرد، هم‌چنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه است.

کارکرد و جایگاه خانه در قرآن

واژه «بیت» به معنای خانه، ۷۱ بار با مشتقات آن در صیغه های «بیت» و جمع آن «بیوت» در قرآن کریم آمده است. این کلمات در ۱۲ مورد به مصداق بیت‌الله، یعنی کعبه (خانه خدا)، ۲ مورد برای بیت عتیق، ۲ مورد بیت معمور و باقی به معنای «خانه»، همان محیط مخصوص زندگی خانواده آمده است.

با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن به کلمه بیت، چنین به‌دست می آید که این مکان مسقفِ محدود که محل اجتماع و زیست جمعی بشر و اولین محیط رشد و پرورش وی است، موردعنایت حق بوده و برحسب کارایی و جایگاهش در حیات انسانی، از اهمیت بسزایی برخوردار است که در اینجا به بعضی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. محل تسکین

اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه این محیط برای اعضاست. فضای محدود و امن خانه، حریمی (محل محرم) برای ابراز احساسات، بیان اسرار، ارضای غرایز و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. این سکونت و امنیت را خداوند به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً» (نحل، ۸۰)، «خداوند از خانه‌های شما محل سکونت و آرامش برایتان قرارداد.»

واژه «سکن» به معنای هر چیزی است که انسان به‌وسیله آن تسکین یابد. انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رها شدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز باخدا و محرمان نیاز دارد. اگر خانه تأمین‌کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود.

۲. محل ذکر و تلاوت آیات الهی

«و اذکر ما یتلی فی بیوتکنّ من آیات الله و الحکمة» (احزاب، ۳۴)، «به یاد آورید آن چه در خانه‌هایتان از آیات و حکمت تلاوت شده است.»

آیه خطاب به همسران پیامبر اکرم (ص) است و نکاتی از آن برداشت می‌شود:

فضایلی که از خانه و خانواده نصیب انسان می‌شود، ارزشمند است و باید برای بکارگیری در زندگی حفظ شود.

- خانواده پیامبر (ص) الگویی برای همه خانواده‌ها است؛ لذا باید بیش از دیگران مراقب امتثال اوامر الهی باشند.
- هر فرد باید حافظ شئون، موقعیت و آبروی خانواده خود باشد.
- محیط آرام و مأنوس خانه، مناسب‌ترین محل برای اندیشه، ذکر، یادآوری کلام خدا و ذکر حکمت‌های الهی است.
- خانه مکتبی برای تربیت انسان‌هایی عبد و مطیع حق است.

کارکرد وسیع و گران‌قدر خانه، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است؛ اما چنان‌چه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می‌گرداند. چنان‌که خطاب به رسول گرامی‌اش می‌فرماید: «فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها بالغدوّ و الاصال» (نور: ۳۶)، رفعت و علو حقیقی خاص خداوند متعال است؛ خانه‌ای که مسجد خداوند و محل تسبیح او باشد، نیز عظیم و مرفوع است.

آنچه از آیه فوق و تفسیر مرحوم علامه طباطبایی (المیزان) استفاده می‌شود، این است که اگر خانه از هر پلیدی و

لوثی منزه بماند و به ذکر خدا و عبادت او مزیّن شود، رفعت می یابد و از یک چهاردیواری سرد و بی روح خارج می شود و هرچه صبغه الهی و معنویش بیشتر شود، مقامی رفیع تر می‌یابد که مصداق کامل آن کعبه، خانه خدا است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۵، صص ۱۷۹-۱۷۸)

۳. محل رابطه‌ای قدسی

«فاذا دخلتم بیوتا فسلّموا علی انفسکم تحیةً من عندالله مبارکةً طیبةً». (نور: ۶۱)

«مقصود از سلام کردن بر خود، سلام بر اهل خانه است و اگر در این جا نفرمود: بر اهل آن سلام کنید، خواست یگانگی مسلمانان با یکدیگر را برساند؛ چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده است. علاوه بر این، همه مؤمنند و ایمان ایشان را جمع کرده، چون ایمان قوی تر از وهم و هر عامل دیگری برای یگانگی است.» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۵، ص ۲۲۹) خداوند می‌فرماید: «بر اهل خانه سلام کنید»؛ از آنجا که سلام بیان تحیتی مبارک از نزد پروردگار است، عالی ترین ایجاد رابطه میان اعضای خانواده آن است که با تحیت و سلام با یکدیگر برخورد کنند و یاد خدا میان آنان باشد. این رابطه قدسی اگر در خانه برقرار شود، به‌طورقطع به جامعه نیز کشانده خواهد شد. پس حقیقت سلام، گسترش امنیت و سلامتی در میان انسان‌هاست.

٤. لزوم حفظ حریم خانه

از نظر قرآن، خانه به قدری در مقام و جایگاه بالایی قرار دارد که حفظ حریم آن بر همگان توصیه شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا.» (نور: ۲۷)

حصر در آیه مذکور به این معناست که خداوند ورود به خانه غیر را بدون اذن و سلام ممنوع می کند. حرمت این حریم را مقدس می‌دارد و ضرورت حاکمیت یک فرهنگ صحیح و صمیمی را در برخورد با اهل خانه بیان می کند و می آموزد که اهل منزل باید در روابط با یکدیگر، علاوه بر رعایت همه شئون انسانی در برخوردشان، از راه تکلم که نزدیک‌ترین و شایع‌ترین ارتباط است، نیز این یگانگی را بیان کنند و سلام واژه‌ای است که این پیام را دارد؛ علاوه بر آن که آرزوی سلامت و امنیت از جانب سلام‌کننده را ابلاغ می کند. از عدی بن ثابت روایت است: زنی انصاریه به نزد رسول‌الله (ص) آمد و عرض کرد: من در خانه خویش گاه گاه در شرایطی هستم که نمی خواهم هیچ کس مرا ببیند، در این حال اگر پدر، فرزند یا مردی از خویشان من وارد شوند، چه کنم؟ در جواب، آیه فوق فرستاده شد.

«تستأنسوا» یعنی «تستأذنوا»؛ گفته شده است که استیناس طلب انس است و به این معنی است که در هیچ

خانه‌ای که ملک شما نیست، وارد نشوید تا مطمئن شوید فردی در آن است و آن‌گاه اجازه بخواهید. ابن‌عباس گفت: در آیه تقدیم و تأخر است؛ یعنی «حتی تسلموا و تستأذنوا»، یعنی «حتی تقولوا السلام علیکم، أدخل»؛ سلام مستحب است و استیذان واجب. (رک. میبدی، ۱۳۵۷: ج ۶، ص ۵۰۹) در آیه ۲۸ از سوره مبارکه نور نیز، ورود به هر خانه‌ای مشروط به اجازه گرفتن از سوی صاحبخانه شده است. «فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن لکم» (نور، ۲۸)، «اگر در خانه کسی را نیافتید، تا اجازه دریافت نکرده‌اید، وارد نشوید.»

علاوه بر این حکم عمومی، در آیه ۵۳ از سوره احزاب نیز، ورود به خانه پیامبر بدون اذن منع شده است: «یا ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوت النبی الاّ أن یؤذن لکم»، «ای ایمان آورندگان به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن‌که به شما اجازه دهد.»

۵. حمایت و مراقبت

از آن‌جا که عجز و ناتوانی نوزاد انسان، بر خلاف سایر حیوانات تا چند سال پس از تولّد نیز ادامه دارد، موضوع حمایت و مراقبت فیزیکی از کودکان را، به یک امر ضروری، تبدیل کرده است. علاوه بر آن، ناتوانی سالمندان که بسیاری از افراد در طول حیات خویش با آن روبه‌رو می‌شوند، ضرورت و اهمیت موضوع مراقبت را دوچندان می‌سازد. مسئولیت قانونی و اخلاقی ایفای این نقش مهم، در طول تاریخ، بر عهدهٔ خانواده بوده است.

در جوامع صنعتی معاصر نیز که برای حمایت از افراد ناتوان (کودکان و سالمندان) برنامه‌های رفاهی متنوعی به اجرا درآمده است؛ قانون، والدین را موظّف می‌داند که به گونه‌ای مناسب، از فرزندان‌شان حمایت و مراقبت نمایند. همان‌گونه که فرزندان را نیز متعهد می‌داند که از والدین سالمندشان به‌خوبی مراقبت کنند. دولت زمانی این وظیفه مهم را بر عهده می‌گیرد که ناتوانی والدین یا فرزندان، در ایفای این نقش، اثبات شود و یا اصلاً والدین یا فرزندان در دسترس نباشند.

با این همه، نمی‌توان تغییرات مرتبط با این کارکرد از جمله، گسترش روزافزون شیرخوارگاه‌ها، مهدکودک‌ها، خانه‌های سالمندان و آسایشگاه‌های معلولان را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد که اشتغال مادران، از مهمترین عوامل این تغییرات بوده است. تحقیقی که در سال ۱۹۶۷ میلادی در فرانسه در مورد امکانات مراقبت از هشتصد هزار کودک زیر سه سال و دارای والدین شاغل انجام گرفت، نشان داد که ۱۴۳۶۱۸ کودک زیر نظر نهادها و سازمان‌های دولتی قرار داشتند، هفتاد هزار طفل در خانه و زیر نظر افرادی بودند که برای همین امر استخدام شده

بودند، هشتادوپنج هزار کودک را نیز مادر بزرگ‌ها نگهداری می‌کردند و پانصد هزار طفل باقی مانده نزد پرستاران غیررسمی (همسایگان یا به‌طور غیرمرتب، نزد اشخاص مختلف) می‌ماندند، در همان زمان نهادهای موسوم به «مدرسه مادرانه» که مخصوص کودکان دو سال به بالا بودند در حدود پانصد هزار کودک را، تحت پوشش داشتند. (سگالن، ۱۳۸۵: ۲۱۵)

اسلام در خصوص کارکرد حمایتی خانواده، با ارائه کردن مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های وجوبی و استحبابی، زمینه تحقّق این کارکرد را فراهم کرده است؛ از یک‌سو، والدین و فرزندان را واجبُ‌النفقهٔ یک‌دیگر معرفی نموده و حتی الزام و اجبار قانونی نیز در این‌باره پیش‌بینی کرده است. (خویی، ۱۴۱۰: ۸۴) از سوی‌دیگر، تأکید بیش از حد اسلام بر ارزش‌های مانند احسان، تعاون بر کارهای نیک و صله ارحام در معنای وسیع آن که شامل کمک‌های مالی نیز می‌شود و هم‌چنین تدبیرهای ویژه‌ای مانند قرار دادن دیه جنایت‌های غیرعمدی بر خویشاوندان پدری؛ (ر.ک: خمینی،۱۳۶۲: ج ۲، ۷۲۷)

ابعاد دیگر عنایت اسلام به کارکردهای حمایتی خانواده را به نمایش می‌گذارند. تحکیم هنجارها و ارزش‌های اسلامیِ مزبور، می‌تواند آثار منفی زندگی شهری و صنعتی را بر کارکرد حمایتی خانواده تا حدودی خنثی سازد. (بستان، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

عوامل استحکام خانواده

۱. سازگاری

اساس تشکیل خانواده، ازدواج دو بزرگسال با جنسیت‌های مخالف است. اوّلین وظیفه این دو، سازگاری و تطابق با یک‌دیگر است، همانندی و تشابهات زن و شوهر، آنها را به زندگی مشترکی برانگیخته است، با وجود این، آنها دو شخصیت متفاوت و منحصربه‌فرد هستند که خُلق‌وخو، عواطف، انگیزه‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارند، زن و شوهر باید برای سازگاری، بخشی از خواسته‌ها و عقاید شخصی خود را به مرور زمان کنار گذاشته و هر طرف، بخشی از حقوق مستقل دیگری را بپذیرد، در غیر این‌صورت زندگی مشترک دشوار خواهد بود.(مینوچین، ۱۳۷۵: ۸۷)

تعالیم اسلامی، برای ایجاد سازگاری و تنظیم روابط زن و شوهر، توصیه‌هایی به هر یک دارد که با ابعاد روان‌شناختی آنها متناسب است. در کلمات اولیای دین از جمله «إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ مَثَلُ الضِّلْعِ الْمُعْوَجِّ إِنْ تَرَكْتَهُ انْتَفَعْتَ بِهِ وَ إِنْ أَقَمْتَهُ كَسَرْتَه»، (حر عاملی؛ پیشین؛ ج ۱۴، ۱۲۳) به دو نکتهٔ مهم و اساسی روان‌شناختی در برخورد با زن اشاره شده است. اوّلین نکته به تفاوت روانی زن و مرد باز می‌گردد؛ زیرا ویژگی‌های روانی و شخصیتی زن با مرد

متفاوت است و مرد نباید زن را بر اساس ویژگی‌هایی که در خود و سایر مردان می‌بیند، مورد سنجش قرار دهد و از او انتظار داشته باشد که از لحاظ روانی به‌طور کامل با او هماهنگ باشد؛ اگر مرد بر این شیوه اصرار ورزد و از زن انتظار رفتار مردانه داشته باشد، به شخصیت او ضربه زده و موجب آسیب روانی می‌شود. بنابراین، لازم است که مرد، زن را با همهٔ ویژگی‌های مخصوص او بپذیرد و در برخی ابعاد، خود را با او هماهنگ سازد.

نکتهٔ دوم، توصیف زن به «ریحانه» است «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيحَانَةٌ وَ لَيسَتْ بِقَهْرَمَانَة». (حر عاملی؛ پیشین؛ ج ۱۴، ص ۱۲۰) این کلمه به لطافت، آسیب‌پذیری و عاطفی بودن زن اشاره دارد. در مقابل، «قهرمانه» که از زن نفی شده، به معنای مدیریت خانواده است که به دلیری و پهلوانی نیاز دارد. از تقابل این دو کلمه می‌توان استنباط کرد که عناصر زیبایی‌شناختی و عاطفی، در زن غلبه دارد و کم‌تر می‌توان از او استواری و قاطعیت را انتظار داشت.

از سوی‌دیگر، مردان نیز به دلیل شرایط ویژهٔ اجتماعی، به‌طور معمول بیش‌تر از زنان دچار تنیدگی و فشار می‌شوند؛ زیرا در نظام اسلامیِ خانواده، مدیریت و مسئولیت ادارهٔ خانواده در ابعاد مختلف از جمله تأمین نیازهای اقتصادی بر عهدهٔ مردان گذاشته شده است؛ بنابراین مردان در جامعه، متحمل سختی‌ها و فشارهایی می‌شوند که تحریک‌پذیری و پرخاشگری آنها را افزایش می‌دهد، زن باید این واقعیت روان‌شناختی را درک کرده و در تعدیل آن بکوشد و از این طریق مسئولیت مهم حمایت روانی از شوهر را در رویارویی با مشکلات ایفا نماید.

بدون تردید، توجّه زن و مرد به ویژگی‌های روان‌شناختی طرف مقابل، به سازگاری آن‌ها کمک می‌کند، در این رابطه، هر یک باید وجوه مثبت و نهفتهٔ دیگری را فعال ساخته و جنبه‌های منفی یک‌دیگر را به تدریج اصلاح نماید؛ امّا اگر هر یک به جای پذیرش همسر خود به همان صورتی که هست، بر جنبه‌های منفی تأکید و قواعدی را بر او تحمیل کند، ناسازگاری‌ها بیش‌تر خواهد شد.

به عبارت دیگر، خانواده از فردیت‌های گوناگون تشکیل شده است که با پذیرش اصول اساسی زندگی مشترک و پایبندی به آن در یک «ما»ی فراتر گرد آمده‌اند؛ عدم شناسایی فردیت و تلاش برای یکسان‌سازی آمرانهٔ فضای خانواده، هزینه‌های عاطفی و شخصیتی سنگینی را بر اعضای آن تحمیل می‌کند که از خودبیگانگی اعضای خانواده، کم‌ترین و فروپاشی خانواده، بزرگ‌ترین نتیجه و پیامد رفتار و نگرش فوق خواهد بود. (زیمون، ۱۳۷۹: ۳۷)

۲. رفتار نیکو

پس از سازگاری و تطابق اوّلیه، حُسن معاشرت و روابط مطلوب و رضایت‌بخش زن و شوهر از وظایف مهم آنها به‌شمار می‌رود، قرآن کریم و اولیای دین: زن و شوهر را به معاشرت معروف «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء ۱۹) و

رفتار نیکو «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّل»، (حر عاملی؛ پیشین؛ ج ۱۴، ص ۱۱۶) توصیه کرده‌اند. معروف یعنی آداب و شیوه‌های رفتاری مناسب یک جامعه که در چارچوب قوانین دین باشد وعقلای جامعه آن‌را، به رسمیت شناخته باشند، (رشیدرضا، ۱۳۰۳، ج ۲، ص ۳۷۴) یا هر عملی که افکار عمومی آن را رفتاری شناخته شده و مأنوس بداند و با ذائقهٔ اهل اجتماع سازگار باشد. (طباطبایی؛ پیشین؛ ج ۲، ص ۲۳۲)

تعبیر «حُسن معاشرت» که برای شوهر یک وظیفه و برای زن یک حق تلقّی شده است، عامل تحکیم زندگی خانوادگی است؛ زیرا از این طریق، شوهر می‌تواند نیازهای روحی و عاطفی همسر خود را به‌صورت مستقیم و نیازهای روحی خود را نیز به‌طور غیرمستقیم تأمین نماید. قرآن کریم به‌طور کلّی، مرد را مکلّف و موظّف به حُسن معاشرت می‌کند و این دستور را به‌صورت عام و مطلق بیان کرده و توضیح می‌دهد که:

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَن تَكْرَهُواْ شَيئًا وَيجْعَلَ اللّهُ فِيهِ خَيراً كَثِيراً؛ اگر احیاناً از زن خوش‌تان هم نمی‌آید، حق ندارید حُسن معاشرت را زیر پا بگذارید؛ زیرا شما نمی‌دانید که در پشت پردهٔ غیب، چه اسراری نهفته است، شاید همین زنی که از او خوش‌تان نمی‌آید، خداوند برای شما خیر فراوان در وجود او قرار داده باشد». (نساء ۱۹) این دستور اگر عملی شود و مردها، حُسن معاشرت را رعایت نمایند، نظام خانواده و روابط زن و شوهر مستحکم و پایدار خواهد شد. (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

پیشوایان دین به‌عنوان مشاوران دلسوز و دانا، به شیوه‌های متعدّدی مردان را درایفای مسئولیت‌های خانوادگی و حُسن معاشرت با همسران‌شان یاری رسانده‌اند.

یکی از نکته‌های بسیار ظریف، امانت بودن زنان، نزد مردان است، «اتَّقُوا اللَّهَ فِی النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عَوَارِی عِنْدَكُمْ». بیهقی، ۲۰۰۵ م، ج ۷، ص ۳۰۴) بدیهی است اگر مرد، همسرش را امانتی در دست خود بداند، سعی خواهد کرد که مناسب‌ترین رفتار را با او داشته باشد.

امام صادق (ع) در باب حُسن معاشرت مردان با همسران‌شان می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً أَحْسَنَ فِيمَا بَينَهُ وَ بَينَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَّكَهُ نَاصِيتَهَا وَ جَعَلَهُ الْقَيمَ عَلَيهَا»؛ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و زنش روابط حسنه، برقرار می‌کند؛ زیرا خداوند، سرنوشت زن را به‌دست او سپرده و او را موظف به سرپرستی وی ساخته است». (مجلسی، [بی‌تا] ج ۸، ص ۳۷۷)

در روایت دیگر شخصی از امام ششم (ع) پرسید: حق زن بر شوهر چیست؟ ایشان فرمودند: «يسُدُّ جَوْعَتَهَا وَ

یسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَ لَا یقَبِّحُ لَهَا وَجْهاً فَإِذَا فَعَلَ ذَلِکَ فَقَدْ وَ اللَّهِ أَدَّی حَقَّهَا»؛ گرسنگی او را رفع کند، عورت او را بپوشاند و برای او تُرش‌رویی (برخورد نادرست) نکند، سوگند به خدا که حق او را ادا کرده است». (همان: ۳۷۸) حضرت پیامبر اکرم (ص) نیز در این زمینه می‌فرماید: «أَوْصَانِی جَبْرَئِیلُ بِالْمَرْأَةِ حَتَّی ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا ینْبَغِی طَلَاقُهَا إِلَّا مِنْ فَاحِشَةٍ مُبَینَةٍ»؛ جبرئیل، آنقدر دربارهٔ زن به من سفارش کرد که گمان کردم طلاق دادن او جایز نیست مگر به خاطر فاحشهٔ آشکار». (حر عاملی، پیشین: ج ۱۴، ص ۱۲۴)

از سوی‌دیگر، تعبیر «حُسن تبعّل» که برای زن یک وظیفه و برای شوهر یک حق محسوب می‌شود در تحکیم خانواده نقش اساسی دارد، بر اساس تعالیم اسلام، مهم‌ترین وظیفهٔ زن پس از انجام تکالیف دینی، خدمت به شوهر اعلام شده است، اهمیت شوهرداری به حدی است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتُ أَحَداً أَنْ یسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا»؛ اگر بنا بود کسی را امر کنم که برای دیگری سجده کند، به‌طور قطع زنان را دستور می‌دادم که برای شوهران‌شان سجده کنند». (همان: ۱۱۵)

از منظر اولیای دین، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی شوهر از نظر ارزش، معادل دشوارترین تکلیف دینی مرد، یعنی جهاد شمرده شده است «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ». (همان: ۱۱۶) ابراز عشق به شوهر «إِنَّ خَیرَ نِسَائِکُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِیفَةُ الْعَزِیزَةُ فِی أَهْلِهَا الذَّلِیلَةُ مَعَ بَعْلِهَا ...» (همان: ۱۱۷) و جلب رضایت او در همهٔ جوانب زندگی از عوامل بسیار مهم و مؤثر در قوام خانواده و روابط مطلوب زن و شوهر محسوب می‌شود. از دیدگاه اسلام، صبر و بردباری زن در برابر ناملایمات و بداخلاقی‌های شوهر (همان: ۱۱۷) و همراهی او در حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی «إِمْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِینُهُ عَلَی أَمْرِ الدُّنْیا» (همان: ۱۲۴) می تواند زمینهٔ مناسبی را برای روابط مطلوب میان آنها فراهم سازد؛ اما اگر زن در برابر بداخلاقی‌های شوهر، صبر و بردباری نشان ندهد، یقیناً روابط زن و شوهر دچار آسیب شده و زمینهٔ فروپاشی خانواده فراهم خواهد شد. البته، باید در فرصت مناسب، شوهر را متوجه رفتار اشتباهش نموده و در اصلاح او بکوشد.

۳. صداقت

صداقت از صفات اخلاقی بسیار مؤثر در تعاملات اجتماعی به‌ویژه روابط خانوادگی به‌شمار می‌رود که زمینهٔ اعتماد و ارتباط متقابل را فراهم می‌کند. صداقت در تحلیل روان‌شناختی به گفتار و رفتاری اطلاق می‌شود که فرد انگیزه و هدفی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته

باشد، ارتباط متعارض یا دو سطحی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که مفاد سخن فرد چیزی و بقیهٔ وجود او چیزی دیگری را بیان می‌کند. در این حالت، مخاطب به مفاد کلام یا رفتار فرد پاسخ می‌دهد؛ اگر فرد در گفتار یا رفتار خود صداقت نداشته باشد، مخاطب سردرگم می‌شود؛ گاه به رفتار و گفتار او توجّه کرده و از انگیزهٔ او غفلت می‌کند و گاهی به دلیل توجّه بیش‌تر به انگیزه‌های احتمالی فرد، به واکنش و عکسُ‌العمل نامناسب دست زده و در نتیجه ارتباط متقابل دچار مشکل می‌شود. (ستیر، ۱۳۷۰: ۷۸)

در روابط خانوادگی، عدم صداقت در زن یا شوهر، فضای خانواده را به بی‌اعتمادی و بدبینی کشانده و زمینهٔ اختلاف را فراهم می‌سازد. قرآن کریم و اولیای دین به دلیل نقشی که دروغ‌گویی در تخریب روابط میان‌فردی و سلب اعتماد ایفا می‌کند؛ بر صداقت و دوری از دروغ تأکید و راست‌گویی را ملاک و معیار ایمان افراد اعلام کرده‌اند «إِنَّمَا یفْتَرِی الْکَذِبَ الَّذِینَ لاَ یؤْمِنُونَ بِآیاتِ اللّهِ وَأُوْلئِکَ هُمُ الْکَاذِبُونَ». (نحل، ۱۰۵)

در یک کلام، راست‌گویی و صداقت، زمینهٔ اعتماد متقابل و رابطهٔ صمیمی و دوستانه را بین افراد فراهم می‌کند؛ بنابراین برای شادکامی، بالندگی و سلامت خانواده‌ها باید روابط کلامی و غیرکلامی (تن صدا، وضعیت بدنی، تماس‌های چشمی و حرکات بدنی) زن و شوهر، به‌صورت مستقیم و صریح باشد؛ چنین ارتباطی به اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر امکان می‌دهد که درستی، تعهّد، صداقت، شایستگی و خلّاقیت داشته باشند و با مشکلاتی که در محیط خانواده به‌وجود می‌آید، به‌طور مناسب برخورد نمایند. (سالاری‌فر؛ پیشین: ۱۱۸)

٤. خوش‌بینی

خوش بینی نیز از صفات بسیار مهم در روابط اجتماعی است که بر اعتماد متقابل استوار است. گمان نیکو و خوش‌بینی زن و شوهر، نسبت به یک‌دیگر، در سلامت و استحکام خانواده نقش اساسی دارد. برای ایجاد حالت خوش‌بینی، زن و شوهر باید در آغاز زندگی مشترک، نهایت تلاش خود را برای شناخت یک‌دیگر به‌کار گیرند و افزون بر این، موازین اخلاقی و دستورات دینی را در همهٔ گفتارها و رفتارهای خود رعایت نمایند. زن و شوهر با دوری از بدگمانی و ایجاد خوش‌بینی می‌توانند اعتماد متقابل را در فضای خانواده حاکم سازند.

در متون دینی و آموزه‌های مکتب اسلام، بر خوش‌بینی نسبت به برادران دینی و تفسیر رفتار آنها به بهترین وجه، تأکید «ضَعْ أَمْرَ أَخِیکَ عَلَی أَحْسَنِهِ حَتَّی یأْتِیکَ مَا یغْلِبُکَ مِنْه» (کلّینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۶۴) و به صراحت از افراد خواسته شده است که از بدگمانی نسبت به یک‌دیگر دوری کنند؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است و ضمن خارج کردن فرد از محدودهٔ مجاز دینی، زمینهٔ گفتار و رفتار نامناسب در حق دیگران را پدید می‌آورد «یا أَیهَا الَّذِینَ

آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ...». (حجرات، ۱۲) در نظام خانواده نیز زن و شوهر باید از بدگمانی نسبت به یک‌دیگر خودداری کرده و بدون تحصیل علم و مدارک معتبر نسبت به هم بدگمانی و قضاوت منفی نکنند.

به عقیدهٔ روان‌شناسان، یکی از مشکلات روابط میان‌فردی، عدم درک انگیزه‌ها و مقاصد طرف مقابل است؛ در این حالت، گاهی افراد تفسیر و برداشت نادرست از یک رفتار دارند، در حالی که بر اساس اصول اسلامی باید یک رفتار را به بهترین وجه تفسیر کرد. بدیهی است تلاش زن و شوهر برای کاهش برداشت‌های منفی از رفتارهای یک‌دیگر، زمینه‌های درک متقابل و روابط صمیمانه را فراهم خواهد کرد. فضای خانواده باید به‌گونه‌ای باشد که افراد، بیش‌تر به جنبه‌های مثبت یک‌دیگر توجّه کرده و نکات منفی را بیش از حد بزرگ‌نمایی نکنند. همین امر، زمینهٔ خوش‌بینی افراد و اعضای خانواده را نسبت به هم فراهم می‌کند.(سالاری‌فر؛ پیشین:۱۱۹)

خوش‌بینی نه تنها در روابط میان‌فردی مؤثر است، بلکه نسبت به مسائل زندگی و حوادث ناخوشایند نیز تأثیرگذار است؛ زیرا تبیین‌های خوش‌بینانه از حوادث، افراد را در برابر مشکلات مقاوم و صبور می‌سازد. در مقابل، تبیین‌های بدبینانه ممکن است افراد را دچار حالت‌های عاطفی منفی و در نتیجه، بازداری ایمنی بسازد. در این حالت، احتمال بروز بیماری‌های جسمی نیز بیش‌تر می‌شود؛ (دیماتئو، ۱۳۷۸: ۵۸۲) درنتیجه، می‌توان گفت که دیدگاه مثبت در زندگی با تأثیر بر حالات عاطفی، روابط اعضای خانواده را مستحکم‌تر ساخته و بیش از پیش بهبود می‌بخشد.

۵. تعاون و هم‌یاری

از منظر جامعه‌شناسی، اصل اساسی در تشکیل خانواده، تشریک مساعی است، در تشریک مساعی، فقط کمک به افراد در نظر نیست؛ بلکه حفظ موجودیت خانواده هدف اصلی آن است. تمایل به تشریک مساعی، عامل مهم در ثبات خانواده است که بر اساس آن، هر عضو به جای خواسته‌های شخصی خود، به همهٔ افراد و اعضای خانواده فکر می‌کند و هدفش، آسایش تمام افراد خانواده است؛ به بیان دیگر، رابطهٔ زن و شوهر در ازدواج و تشکیل خانواده صرفاً بر اساس تمایل شخصی نیست؛ بلکه اهداف خانوادگی در درجهٔ اول اهمیت است. (روزن بام، ۳۶۷: ۹۴)

در آموزه‌های اسلامی نیز بر اصل تعاون تأکید زیادی شده است «وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ». (مائده: ۲) تعالیم اسلام، بر اساس اصل تعاون، وظایف را در خانواده به‌گونه‌ای تقسیم کرده که همهٔ افراد، مسئولیتی را به عهده گیرند تا خانواده بتواند کارکردهای مؤثر خود را ایفا نماید. در کلمات اولیای دین برای تشویق زن و شوهر به یاری کردن یک‌دیگر، نکات جالبی بیان شده که توجّه به آنها، انگیزه‌های همکاری را در

خانواده بیش‌تر می‌کند. در مورد تلاش زن در محیط خانواده آمده است: «اگر زنی به همسرش جرعه‌ای آب بنوشاند، ارزش معنوی این کار بیش از ثواب یکسال روزه و عبادت شب‌های آن است و خداوند در برابر هر جرعهٔ آب که به همسرش می‌نوشاند، برای او شهری در بهشت بنا کرده و شصت گناه او را می‌بخشد» (حر عاملی؛ پیشین؛ ج ۱۴، ۱۲۴) و در جای دیگر آمده است: «زنی که برای اصلاح امور خانه، چیزی را از جایی به جایی دیگر منتقل کند، خدا به او نظر می‌کند و کسی که مورد نظر خدا باشد عذاب نمی‌شود.»(همان: ۱۳۲)

از توصیه‌های رفتاری جالب توجّه در کلمات معصومین، کمک و خدمت کردن مرد در خانه است. رسول اکرم(ص) به حضرت علی(ع) چنین سفارش می‌کند: «مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند مگر آن‌که از جانب خداوند به تعداد موهای بدنش و عبادت یکسال روزه با نماز در شب‌هایش برای او پاداش داده شود و خداوند پاداش پیامبران صبوری مانند داوود، عیسی و یعقوب را برای او قرار می‌دهد. یا علی، کسی که از خدمت به خانواده و همسرش خودداری نکند، خداوند نام او را در زمرهٔ شهدا می‌نویسد و در مقابل هر شبانه‌روز خدمت و رنج بدن، به او پاداش زیادی عطا می‌کند. یا علی، یک ساعت خدمت در خانه از هزار سال عبادت، هزار حج، سیر کردن هزار گرسنه و بخشش هزار دینار بهتر است و چنین مردی، از دنیا خارج نمی‌شود مگر آن‌که جایگاه خود را در بهشت مشاهده کند. یا علی، خدمت نمی‌کند به خانواده مگر صدیق یا شهید و یا مردی که خداوند بخواهد خیر دنیا و آخرت را به او بدهد». (همان: ۱۳۲) بنابراین توجّه به پیامدهای مطلوب خدمت مرد در خانه، افراد را برمی‌انگیزد که کار و خدمت کردن در خانه را، دارای ارزش معنوی تلقّی کرده و به بهانهٔ انجام برخی رفتارهای دینی، از این امر شانه خالی نکنند.

٦. قناعت

قناعت و دوری از تجمّل‌گرایی، از صفات مهمّی است که در تعالیم اسلامی به تأثیر آن بر زندگی دنیوی و اُخروی اشاره شده است. امام علی (ع) در تفسیر آیهٔ شریفهٔ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) می‌فرماید: «وَ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ؛ منظور از زندگی پاک، همان زندگی همراه با قناعت است». (نهج‌البلاغه، حکمت: ۲۲۹) در عصر کنونی گسترش وسایل رفاهی زمینهٔ استفاده از امکانات جدید و تجمّلی را افزایش داده و این امر باعث شده است که در محیط خانواده‌ها نیز تفاوت‌های زیادی در امکانات زندگی مشاهده شود. از آن‌جا که امکان زندگی مادی بهتر برای همهٔ خانواده‌ها میسور نیست به‌طور طبیعی برخی خانواده‌ها در این رقابت عقب می‌مانند؛ این اختلاف درآمد و تفاوت در مواهب زندگی مادی،

ممکن است باعث بروز نارضایتی و تعارض در خانواده شود.

تعالیم اسلام، برای پیشگیری و کاهش تعارضات، افراد و اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر را به قناعت و دوری از تجمّل‌گرایی توصیه کرده است. کسی که از صفت قناعت برخوردار باشد، به مقداری از مواهب مادی که نیازهای او را کفایت کند رضایت می‌دهد و خود را برای کسب درآمد بیش‌تر به زحمت و فشار شدید نمی‌اندازد؛ اگر اعضای خانواده به‌ویژه زن و شوهر به میزان درآمدی که با تلاش به‌دست آورده‌اند، راضی باشند به اندوه و رنج کم‌تری دچار خواهند شد «مَنْ قَنِعَ بِالْمَقْسُومِ اسْتَرَاحَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْكَرْبِ وَ التَّعَب». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ص۲۲۴) البته در مورد زن، بر قناعت و کم‌توقعی تأکید بیش‌تری شده است؛ شاید این تأکید به این علّت است که به‌طور معمول مسئولیت تأمین معاش خانواده بر عهدهٔ مرد است و وی فشار روانی بیش‌تری را تحمّل می‌کند؛ در نتیجه فشار و تحمیل زن بر او، مشکلات را تشدید خواهد کرد.

از دیدگاه اسلام، اعضای خانواده برای ایجاد حالت قناعت در خود، باید به خانواده‌های که از سطح مواهب مادی پایین‌تری برخوردارند، توجّه نمایند و روابط خود را بیش‌تر با این‌گونه خانواده‌ها تنظیم کنند، نه این‌که همواره به بالاتر از خود نگاه کرده و خویش را گرفتار حسرت و اندوه نمایند. افراد خانواده در صورتی که به کسب صفت قناعت موفّق شوند و چشم از نگاه کردن به زندگی مادی و تجمّلی دیگران فرو بندند، در مرحلهٔ اول از حسرت و غم نجات می‌یابند و سپس به عزّت نفسی می‌رسند که در عین کم‌بودها احساس بی‌نیازی کنند «مَعَ قَنَاعَةٍ تَمْلَأُ الْقُلُوبَ وَ الْعُيونَ غِنًى». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) این حالت زندگی را در تلقّی فرد گواراتر ولذّت او را بیش‌تر خواهد کرد؛ در کلمات اولیای دین آمده است: «إِنَّ أَهْنَأَ النَّاسُ مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِياً؛ فردی که به درآمد و قسمت خود راضی باشد، از گواراترین زندگی در میان جامعه برخوردار خواهد بود» (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۱) و اگر جز این باشد اعضای خانواده همیشه در حسرت کم‌بودها به‌سر برده و زندگی در نظر آنها تلخ خواهد شد.

نتیجه

به‌طور کلّی اسلام و اولیای دین، نهاد خانواده را یک نهاد مقدّس می‌دانند که در سعادت دنیوی و اُخروی انسان‌ها تأثیر حیاتی دارد؛ بنابراین در تقسیم وظایف و مسئولیت دادن به اعضای خانواده مسئولیت‌هایی را که با وضع جسمی و روانی آنها متناسب باشد، واگذار کرده است. ثانیاً انجام مسئولیت‌ها را به وسیلهٔ اعضای خانواده جنبهٔ معنوی و دینی داده است که این تلقّی دو تأثیر بسیار مهمی را بر افراد بر جای می‌گذارد؛ در درجهٔ اول باعث می‌شود که افراد در انجام وظایف خود به‌عنوان یک رفتار دینی تلاش نمایند و در درجهٔ دوم، رفتار و عمل خود را دارای

پاداش و ارزش معنوی بدانند که در نتیجه، دشواری‌های این وظایف تا حدودی برای آنان آسان می‌شود.

بنابراین اگر توصیه ها و دستورات اسلام، در مورد خانواده عملی گردد و تمام اعضای خانواده نقش‌ها و مسئولیت‌های خویش را به‌خوبی انجام دهند، خانوادهٔ مطلوب اسلام، در جوامع اسلامی محقق خواهد شد. البته باید توجّه داشت که نهادهای اجتماعی با یک‌دیگر تعامل و دادوستد دارند و بین آنها تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد؛ بنابراین دست‌یابی به خانوادهٔ مطلوب اسلامی، در صورتی امکان‌پذیر است که سایر نهادهای اجتماعی به‌ویژه نهاد آموزش و پرورش، نهاد حکومت و رسانه‌های همگانی به خصوص تلویزیون، نیز وظایف و مسئولیت‌های دینی خود را به‌خوبی انجام دهند.

در نتیجه اینکه وظیفهٔ کارگزاران جوامع اسلامی به‌ویژه نهادهای دینی مانند نهاد روحانیت، حوزه‌های علمیه و مؤسسه‌های وابسته به آن است که در راستای انجام مسئولیت‌های دینی و تبلیغی خویش، همهٔ نهادهای اجتماعی و به‌طور کلّی فرهنگ جامعه را بهبود بخشیده و آنها را به سمت‌وسوی وظایف دینی‌شان سوق دهند تا از این رهیافت نه تنها به خانوادهٔ مطلوب؛ بلکه به یک جامعهٔ سالم که شایستهٔ نام اسلام و سزاوار مسلمانان باشد، دست پیدا کنیم؛ جامعه‌ای اسلامیِ که اندیشمندان و متفکران مسلمان از آن به‌عنوان مدینهٔ فاضله، نام برده‌اند.

تهاجم فرهنگی غرب که با استفاده از پیشرفته‌ترین ابزار تبلیغاتی، صورت می‌گیرد و هم‌چنین رواج و تبلیغ افکار افراطیِ فمینیستی، در کشورهای اسلامی، مسئولیت خانواده‌ها، مهندسان فرهنگی، معماران اجتماعی، به‌ویژه عالمان و نهادهای دینی را در کشورهای اسلامی، بیش از پیش سنگین نموده است تا راه‌هایی را برای مقابله با این تهاجم ویران‌گر که فرهنگ و خانوادهٔ اسلامی را نشانه رفته است، پیدا کنند و از فرهنگ دینی و خانوادهٔ اسلامی، صیانت و محافظت نمایند.

منابع

قرآن کریم؛ ترجمهٔ الهی قمشه‌ای؛ قم: انتشارات فاطمهٔ‌الزهرا، ۱۳۸۵.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبةُالله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دار احیاءالتراث‌العربی؛ ۱۹۶۷ م.

۲. ابن حنبل، احمدبن محمد؛ مسند؛ بیروت: دار صادر، [بی‌تا].

۳. ابن شعبه الحرّانی، الحسن‌بن علی؛ تُحف‌العقول عن آل‌الرّسول۹؛ قم: نشر اسلامیه، ۱۳۶۹.

۴. اعزازی، شهلا؛ جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر؛ چاپ سوم، تهران: نشر روشنگران، ۱۳۸۲.

۵. آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۶. انصاریان، حسین؛ نظام خانواده در اسلام؛ چاپ ششم، قم: انتشارات اُم‌ابیها، ۱۳۷۶.

۷. بخاری جعفی، محمدبن اسماعیل؛ الصحیح؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ه..ق.

۸. بستان (نجفی)، حسین و همکاران؛ اسلام و جامعه‌شناسی خانواده؛ چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.

۹. بهشتی، احمد؛ خانواده در قرآن؛ چاپ چهارم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۰. بیهقی، احمدبن الحسین؛ السنن‌الکبری؛ بیروت: دارالفکر، ۲۰۰۵ م.

۱۱. تقوی، نعمت‌الله؛ جامعه‌شناسی خانواده؛ تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲.

۱۲. حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسایل‌الشیعه؛ تهران: المکتبةُالاسلامیه، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۳. خدا پناهی، محمدکریم؛ روان‌شناسی فیزیولوژیک؛ تهران: سمت، ۱۳۸۰.

۱۴. خسروی، خسرو؛ جامعه‌شناسی روستایی ایران؛ تهران: دانشکدهٔ علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۱.

۱۵. خمینی، سیدروح الله؛ تحریرالوسیله؛ قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۶۲.

۱۶. خویی، سیدابوالقاسم؛ منهاجُ‌الصّالحین؛ چاپ بیست‌وهشتم، قم: انتشارات مهر، ۱۴۱۰ ه..ق.

۱۷. دشتی، محمد؛ ترجمهٔ نهج‌البلاغه؛ قم: انتشارات آل علی۷، ۱۳۷۹.

۱۸. دیماتئو، ام. رابین؛ روان‌شناسی سلامت؛ ترجمهٔ سیدمهدی موسوی و دیگران؛ تهران: سمت، ۱۳۷۸.

۱۹. رشیدرضا، محمد؛ المنار فی تفسیرالقرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۰۳.

۲۰. روزن بام، هایدی؛ خانواده به منزلهٔ ساختاری در مقابل جامعه؛ ترجمهٔ محمدصادق مهدوی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.

۲۱. زیمون، ف. ب؛ مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده درمانی؛ ترجمهٔ سعید پیرمرادی؛ تهران: نشر همام، ۱۳۷۹.

۲۲. ساروخانی، باقر؛ درآمدی بر دایرهٔ المعارف علوم اجتماعی؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۰.

۲۳. سالاری‌فر، محمدرضا؛ خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

۲۴. ستیر، ویرجینا؛ آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده؛ ترجمهٔ بهروز بیرشک؛ تهران: انتشارات رُشد، ۱۳۷۰.

۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ قم: انتشارات جامعهٔ مدرسین، ۱۳۷۴.

۲۶. طبرسی، رضی‌الدین؛ مکارمُ‌الاخلاق؛ بیروت: دارالحوراء، ۱۴۰۸ ه.ق.

۲۷. طبسی، محمدجواد؛ حقوق فرزندان در مکتب اهل‌بیت؛ چاپ پنجم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.

۲۸. نوری طبرسی، میرزاحسین؛ مستدرکُ‌الوسائل و مستنبط‌المسائل؛ بیروت: مؤسسهٔ آل‌البیت: لاحیاءالتراث، ۱۴۰۸ ه.ق.